

## عنوان مقاله:

داستان پسامدرن فارسی و «سوژه» زنانه

## محل انتشار:

مجله نقد و نظریه ادبی، دوره 3، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسنده:

بهزاد برکت - دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گیلان

## خلاصه مقاله:

پسامدرنیسم، در مقام آخرین رویکرد جریانی که در صدد امحای «سوژه» (۱) برآمده از سنت انسان باوری است که از یک سو با فمینیسم یا جنبش زن محور در تناقض قرار می گیرد. فمینیسم از منظر تاریخی تحقق هویت زنانه را در تقابل با هویت مردانه تعریف می کند و از این جهت وابسته به اقتداری می شود که در «سوژه» و ابقای آن موجودیت یافته است، پس می کوشد سوژه مذکر را به سوژه مونث تغییر دهد. اما از سوی دیگر پسامدرنیسم، در عین تناقض با فمینیسم، به سبب اعلام مرگ سوژه، به تفکر زن محور کمک می کند تا نه تنها از اقتدار مردانه خلاص شود بلکه اسباب موثرتری برای ادراک خود پیدا کند. این دوگانگی، در جامعه ای مانند ایران که زمینه تاریخی متفاوتی از غرب را آزموده نموده نمودهایی در عرصه های مختلف از جمله ادبیات داستانی دارد که الزاما قرینه یا همراستا با نموده های نظیر آن در جامعه غربی نیست. هدف مقاله حاضر بررسی نظری این تفاوت است و جهت تایید، شواهدی نیز از آثار چند نویسنده زن (۲) ارائه می شود.

## کلمات کلیدی:

پسامدرنیسم، فمینیسم، سوژه، داستان نویسی زنان، داستان پسامدرن

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1614909>

